



فلسفه اخلاق در فناوری

دکتر عباس محمدی دکتر فتانه حسنی جعفری

دکتر محمدرضا سرمدی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

سیزده

پیشگفتار

۱	فصل اول: فلسفه اخلاق
۱	هدف کلی
۱	هدف‌های یادگیری
۱	مقدمه
۲	۱-۱ معنا و مفهوم اخلاق
۶	۲-۱ تاریخچه اخلاق
۷	۳-۱ علم اخلاق
۹	۴-۱ قلمرو علم اخلاق
۱۰	۵-۱ اهمیت علم اخلاق
۱۱	۶-۱ جایگاه علم اخلاق در رده‌بندی علوم
۱۲	۷-۱ فلسفه اخلاق
۱۴	۸-۱ پیشینه تاریخی فلسفه اخلاق
۱۵	۹-۱ قلمرو و کاربرد اخلاق
۱۵	۱-۹-۱ اخلاق توصیفی
۱۷	۲-۹-۱ اخلاق هنجاری یا دستوری
۱۸	۳-۹-۱ فرااخلاق
۲۰	۱۰-۱ تفاوت علم اخلاق و فلسفه اخلاق
۲۰	خلاصه فصل اول
۲۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول
۲۲	خودآزمایی تشریحی فصل اول
۲۳	فصل دوم: مکاتب مختلف فلسفه اخلاق
۲۳	هدف کلی

۲۳	هدف‌های یادگیری
۲۳	مقدمه
۲۴	۱-۲ دسته‌بندی‌های متفاوت از مکاتب فلسفه اخلاق
۲۴	۱-۱-۲ دسته‌بندی تاریخی
۲۵	۲-۱-۲ پژوهش‌های هنجاری
۲۷	۳-۱-۲ دسته‌بندی براساس واقع‌گرایی و غیرواقع‌گرایی
۴۰	خلاصه فصل دوم
۴۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۴۱	خودآزمایی تشریحی فصل دوم
۴۳	فصل سوم: فلسفه فناوری
۴۳	هدف کلی
۴۳	هدف‌های یادگیری
۴۳	مقدمه
۴۵	۱-۳ تعریف فناوری (تکنولوژی)
۴۹	۲-۳ اجزاء و عناصر اصلی فناوری
۴۹	۱-۲-۳ فن‌افزار
۴۹	۲-۲-۳ انسان‌افزار
۴۹	۳-۲-۳ اطلاعات‌افزار
۵۰	۴-۲-۳ سازمان‌افزار
۵۱	۳-۳ ماهیت فلسفه فناوری و خاستگاه تاریخی آن
۵۹	۴-۳ دیدگاه‌های مختلف به فلسفه فناوری
۶۰	۱-۴-۳ فلسفه تکنولوژی مهندسی
۶۲	۲-۴-۳ فلسفه تکنولوژی علوم انسانی
۶۴	۵-۳ رویکردهای اساسی درعرصه فلسفه فناوری
۶۵	۱-۵-۳ رویکرد مارکس ورتوفسکی
۶۵	۲-۵-۳ رویکرد فردریچ رپ
۶۶	۳-۵-۳ ژرنات بام
۶۶	۶-۳ تأثیرات فناوری
۶۷	۱-۶-۳ فناوری چون امری طبیعی خنثی
۶۷	۲-۶-۳ فناوری چون امری فرهنگی و تک ارزشی
۶۹	۳-۶-۳ فناوری چون امری طبیعی، فرهنگی و چندارزشی
۷۰	۷-۳ عوامل اجتماعی در توسعه تکنولوژیک
۷۰	۱-۷-۳ جبرگرایی تکنولوژیک
۷۲	۲-۷-۳ ساخت‌گرایی اجتماعی
۷۵	۸-۳ دیدگاه‌های مختلف درخصوص رابطه انسان و تکنولوژی
۷۵	۱-۸-۳ دیدگاه پدیدارشناسی

۷۵	۳-۸-۲ سنت‌گرایان تاریخی
۷۶	۳-۸-۳ پوزیتیویسم، علم‌باوری و تکنومداری
۷۷	۳-۸-۴ سنت‌گرایان معنوی
۷۷	۳-۸-۵ مارکسیسم و چپ‌گرایی انتقادی
۷۸	۳-۸-۶ نگرش اسلامی در تبیین تکنولوژی
۷۹	۳-۹ پیش‌فرض‌های فناوری
۸۰	۳-۹-۱ پیش‌فرض‌های فلسفی
۸۲	۳-۹-۲ پیش‌فرض‌های اخلاقی
۸۴	۳-۹-۳ پیش‌فرض‌های روانی
۸۵	۳-۱۰ انواع دیدگاه‌ها درخصوص تعامل بین دین و فناوری
۸۶	۳-۱۰-۱ ابزارگرایی
۸۶	۳-۱۰-۲ استقلال‌گرایی
۸۷	۳-۱۱ رابطه و تمایز بین علم و فناوری
۹۱	خلاصه فصل سوم
۹۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۹۲	خودآزمایی تشریحی فصل سوم
۹۳	فصل چهارم: اخلاق در فناوری
۹۳	هدف کلی
۹۳	هدف‌های یادگیری
۹۳	مقدمه
۹۵	۴-۱ تعریف اخلاق در فناوری
۹۵	۴-۲ اهمیت توجه به اخلاق در فناوری
۹۶	۴-۳ ویژگی‌های فناوری رایانه‌ای در ایجاد و توسعه مسائل غیراخلاقی
۹۶	۴-۳-۱ از لحاظ هزینه اقتصادی
۹۶	۴-۳-۲ مجهول بودن هویت افراد
۹۶	۴-۳-۳ فقدان بقای آثار اعمال غیراخلاقی
۹۷	۴-۳-۴ سرعت انتقال داده‌ها
۹۷	۴-۴ دیدگاه‌های مختلف در حوزه اخلاق فناوری
۹۹	۴-۵ بازبینی تاریخی اخلاق رایانه‌ای
۱۰۴	۴-۶ اخلاق فناوری از منظر اسلام
۱۰۷	۴-۷ اخلاق فناوری در قواعد و مقررات بین‌المللی
۱۰۹	۴-۸ اخلاق فناوری در حقوق ایران
۱۱۰	خلاصه فصل چهارم
۱۱۱	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم
۱۱۲	خودآزمایی تشریحی فصل چهارم

۱۱۳	فصل پنجم: هویت در فضای مجازی
۱۱۳	هدف کلی
۱۱۳	هدف‌های یادگیری
۱۱۳	مقدمه
۱۱۴	۱-۵ فضای مجازی
۱۱۵	۱-۱-۵ تعریف و مفهوم فضای مجازی
۱۲۰	۲-۱-۵ ویژگی‌های خاص فضای مجازی
۱۲۱	۳-۱-۵ شبکه‌های اجتماعی مجازی
۱۲۲	۴-۱-۵ شبکه‌های اجتماعی مختص تلفن همراه
۱۲۲	۵-۱-۵ رویکردها و آسیب‌های شبکه‌های مجازی مبتنی بر تلفن همراه
۱۲۴	۲-۵ هویت مجازی
۱۲۵	۱-۲-۵ تعریف و مفهوم هویت
۱۲۶	۲-۲-۵ هویت مجازی و مقایسه آن با مفاهیم مشابه
۱۲۸	۳-۲-۵ تاریخچه هویت مجازی
۱۲۹	۴-۲-۵ عوامل مؤثر بر ساخت هویت مجازی
۱۳۰	۵-۲-۵ ویژگی‌های هویت مجازی
۱۳۱	۶-۲-۵ پیامدهای مثبت و منفی هویت مجازی
۱۳۲	۷-۲-۵ بحران هویت
۱۳۴	خلاصه فصل پنجم
۱۳۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم
۱۳۶	خودآزمایی تشریحی فصل پنجم
۱۳۷	فصل ششم: امنیت در فضای سایبر
۱۳۷	هدف کلی
۱۳۷	هدف‌های یادگیری
۱۳۷	مقدمه
۱۳۸	۱-۶ مفهوم امنیت
۱۴۰	۲-۶ امنیت در فضای سایبر
۱۴۲	۳-۶ مفهوم امنیت در فضای سایبری (امنیت داده، اطلاعات و شبکه)
۱۴۴	۴-۶ تعریف مفاهیم تهدید، ضعف و حمله
۱۴۵	۵-۶ تقسیم‌بندی نفوذگران
۱۴۷	۶-۶ انواع حمله‌ها و تهدیدها در فضای سایبری
۱۵۴	۷-۶ ارکان امنیت
۱۵۵	۱-۷-۶ محرمانگی
۱۵۶	۲-۷-۶ جامعیت (یکپارچه بودن)
۱۵۶	۳-۷-۶ قابل دسترس بودن
۱۵۷	۴-۷-۶ عدم انکار

۱۵۷	۵-۷-۶ قابلیت بررسی (کنترل دسترسی)
۱۵۷	۶-۷-۶ قابلیت عدم انکار انجام عمل
۱۵۸	۷-۷-۶ اصل بودن
۱۵۸	۸-۶ رویکردهای پیاده‌سازی امنیت در سیستم (مقابله با تهدیدها)
۱۶۲	خلاصه فصل ششم
۱۶۳	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۱۶۴	خودآزمایی تشریحی فصل ششم
۱۶۵	فصل هفتم: حریم خصوصی در فضای سایبری
۱۶۵	هدف کلی
۱۶۵	هدف‌های یادگیری
۱۶۵	مقدمه
۱۶۶	۱-۷ تعریف و مفهوم حریم خصوصی
۱۶۸	۲-۷ اهمیت و ضرورت توجه به حریم خصوصی
۱۶۹	۳-۷ عناصر حریم خصوصی
۱۷۰	۴-۷ اصول ده‌گانه حریم خصوصی
۱۷۴	۵-۷ انواع حوزه‌های مربوط به حریم خصوصی
۱۷۵	۶-۷ حریم خصوصی در آیات قرآن و سنت اسلامی
۱۷۷	۷-۷ مبانی و اصول حمایت از حریم خصوصی در تعالیم اسلامی
۱۷۷	۱-۷-۷ اصل کرامت ذاتی بشر
۱۷۷	۲-۷-۷ اصل حرمت و احترام عرض و آبرو
۱۷۸	۳-۷-۷ اصل لزوم کتمان سر
۱۷۸	۸-۷ دلایل شناسایی و حمایت از حریم خصوصی
۱۸۰	۹-۷ حریم خصوصی در فضای سایبری
۱۸۵	۱۰-۷ حوزه‌های بررسی حریم خصوصی در فضای مجازی
۱۸۵	۱۱-۷ نظریه‌های حریم خصوصی رایانه‌ای
۱۸۷	۱۲-۷ نقش مراحل فرایند عملیاتی‌کردن داده در نقض حریم خصوصی
۱۸۸	۱۳-۷ ارتباط امنیت با حریم خصوصی
۱۸۹	۱۴-۷ ارتباط داده کاوی با حریم خصوصی
۱۸۹	خلاصه فصل هفتم
۱۹۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم
۱۹۱	خودآزمایی تشریحی فصل هفتم
۱۹۳	فصل هشتم: جرائم رایانه‌ای
۱۹۳	هدف کلی
۱۹۳	هدف‌های یادگیری
۱۹۳	مقدمه

۱۹۵	۸-۱ تعریف جرائم رایانه‌ای
۱۹۸	۸-۲ تاریخچه جرائم رایانه‌ای
۲۰۰	۸-۳ ویژگی جرائم سایبری و مقایسه آن‌ها با جرائم سنتی
۲۰۰	۸-۳-۱ سرعت
۲۰۱	۸-۳-۲ ناشناختگی
۲۰۱	۸-۳-۳ حجم جرائم
۲۰۱	۸-۳-۴ ارزان بودن بزه
۲۰۲	۸-۳-۵ عدم حضور در صحنه بزه
۲۰۲	۸-۳-۶ فراملی بودن
۲۰۳	۸-۳-۷ بالابودن رقم سیاه
۲۰۳	۸-۳-۸ اتوماتیک بودن جرم
۲۰۴	۸-۳-۹ درونی بودن بزه
۲۰۴	۸-۳-۱۰ ضعف یا فقدان کنترل اجتماعی
۲۰۵	۸-۴ مجرمین رایانه‌ای
۲۰۵	۸-۵ شیوه‌های طبقه‌بندی جرائم رایانه‌ای و انواع آن
۲۰۹	۸-۶ تهدیدها و چالش‌های اخلاق در فناوری
۲۱۱	۸-۷ راهکارهای پیشگیری از جرائم رایانه‌ای
۲۱۱	۸-۷-۱ شیوه آموزش‌مدار
۲۱۲	۸-۷-۲ شیوه عاطفی‌مدار
۲۱۳	۸-۷-۳ شیوه کنترل‌مدار
۲۱۵	۸-۷-۴ شیوه قدرت‌مدار
۲۱۶	خلاصه فصل هشتم
۲۱۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم
۲۱۷	خودآزمایی تشریحی فصل هشتم
۲۱۹	فصل نهم: تربیت اخلاقی در فضای مجازی
۲۱۹	هدف کلی
۲۱۹	هدف‌های یادگیری
۲۱۹	مقدمه
۲۲۱	۹-۱ اخلاق علمی
۲۲۲	۹-۲ ضرورت جهت‌گیری اخلاقی در تولید علم
۲۲۳	۹-۳ اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پژوهش
۲۲۴	۹-۴ ضوابط اخلاقی در آموزش
۲۲۶	۹-۵ اصول اخلاق حرفه‌ای آموزش
۲۲۷	۹-۶ اخلاق در آموزش و یادگیری الکترونیکی
۲۲۸	۹-۷ تربیت اخلاقی
۲۲۹	۹-۸ نظریه‌ها و رویکردهای تربیت اخلاقی

۲۳۰	۹-۹ تربیت اخلاقی در فضای مجازی
۲۳۰	۹-۱۰ چالش‌های فضای مجازی برای تربیت اخلاقی
۲۳۴	۹-۱۱ نقش تربیت در استفاده صحیح از فضای مجازی
۲۳۵	۹-۱۲ رویکردهای رایج به فضای مجازی در تربیت اسلامی
۲۳۷	۹-۱۳ فلسفه «تربیت فناورانه» یا «فلسفه فناورانه» تربیت
۲۳۹	۹-۱۴ اصول اخلاقی تولید علم
۲۳۹	۹-۱۴-۱ اصول اخلاقی تولید علم در ارتباط با شرکت‌کنندگان در پژوهش
۲۴۱	۹-۱۴-۲ اصول اخلاقی در زمینه انتشار نتایج پژوهش‌های علمی
۲۴۲	۹-۱۴-۳ اصول اخلاقی مربوط به پژوهشگر و تولیدکننده علم
۲۴۳	۹-۱۵ اصول اخلاقی تولید علم از نظر اسلام
۲۴۶	خلاصه فصل نهم
۲۴۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل نهم
۲۴۷	خودآزمایی تشریحی فصل نهم
۲۴۹	فصل دهم: اخلاق در پژوهش
۲۴۹	هدف کلی
۲۴۹	هدف‌های یادگیری
۲۴۹	مقدمه
۲۵۱	۱۰-۱ مفهوم تعریف اخلاق در پژوهش
۲۵۱	۱۰-۲ ضرورت توجه به اخلاق در پژوهش
۲۵۲	۱۰-۳ سرقت علمی (ادبی)
۲۵۴	۱۰-۴ انواع سرقت ادبی
۲۵۵	۱۰-۵ نقش فناوری‌ها در سرقت ادبی
۲۵۷	۱۰-۶ عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های سرقت علمی
۲۵۸	۱۰-۷ مالکیت معنوی در برابر سرقت ادبی
۲۶۲	۱۰-۸ مفهوم سرقت نرم‌افزاری
۲۶۳	۱۰-۹ انواع سرقت‌های نرم‌افزاری
۲۶۴	خلاصه فصل دهم
۲۶۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دهم
۲۶۶	خودآزمایی تشریحی فصل دهم
۲۶۷	منابع

پیشگفتار

همواره در طول تاریخ کانون هویتِ انسان، اتصاف او به اخلاق، اخلاقِ آفرینی، و بازآفرینی اخلاقی است. هیچ مقطعی از زندگانیِ دور و دراز انسانی، خالی از دغدغه‌های اخلاقی نبوده است. با ظهور هر پدیداری و به محض آشناییِ انسان با هرتحولِ نوینی، بی‌درنگ، پرسش‌های اخلاقی مرتبط با موضوع، سر برمی‌آورند. هرگونه پاسخی به پرسش هستی‌شناسانه «انسان چیست؟»، در ذاتِ خود، حاوی محتوایی است که هرگز نمی‌تواند تهی از توجه به اخلاق، یا همان نحوهٔ بودنِ انسان و مهم‌تر از آن، نحوهٔ باهم‌بودنِ انسان‌ها، باشد. مادام که چنین است، پس پذیرش این نکته، که در پس هر پدیدارِ نوظهور و نوبروز انسانی، فرشتهٔ اخلاقی، خاموش در انتظارِ اکتشاف از سوی انسان است، واکنشی بخردانه و فی‌الذاته اخلاقی است. بر همین سیاق، زندگانیِ آدمی، در هیچ کجای تاریخ او، خالی از آفریش‌های تکنیکی (فناورانه) نبوده است. چه فرق است میان آتش‌زنه‌ای ساده مربوط به عصر سنگی، دلجانی ساختهٔ انسانِ قرونِ میانه و امروز که عصر تسخیر فضا و زمان است؟! آنچه فرق است پیچیدگیِ ساخته‌های امروزیان در برابرِ آنِ دیروزیان است؛ وگرنه انسان همواره سازنده و آفریننده بوده است و از این حیث، انسان باستان، میانه و معاصر از نگاهی هستی‌شناسانه تفاوتی ندارند. تفاوت در آفریده‌ها و ساخته‌های آنان است. مسئله این است که آیا تفاوت در آفریده‌ها و ساخته‌ها (فراورده‌ها)، می‌تواند به‌معنای تفاوت در اخلاقیات آن‌ها باشد؟ آیا، نحوهٔ مراوداتِ اخلاقیِ دو انسانی که در سویِ تکی از هیزم نشسته و درحال تلاش برای روشن کردن آتش به کمکِ یک آتش‌زنهٔ طبیعی هستند، همان است که دو انسان امروزی، در دو سویِ یک چتروم در دو نقطهٔ بسیار دورازهم با دو بافتار فرهنگیِ متفاوت درحال تبادل‌نظراند؟

رمز فناوریِ نوین، نه در دگرگونیِ آن، بلکه در دگرگونیِ دم‌افزون و شتابان آن است. گویی آنکه زمان و مکان دارد هرچه بیشتر به تسخیرِ دانش و تسلطِ انسان درمی‌آید. در اعصارِ پیشینِ دهه‌ها و بلکه قرن‌ها طول می‌کشید تا که سازه‌ای مانند یک چرخ‌دستی متحول شود؛ اما رایانه یا تلفن همراهِ این سال با سال گذشته، تفاوت‌ها دارد. به‌همین ترتیب، حوزه‌های زندگی متأثر می‌شوند. اخلاق، یکی از این حوزه‌ها و چه‌بسا بنیادی‌ترین آن‌هاست. چت‌روم با پیامک تفاوت تکنیکی دارد و منبعث از این تفاوت، نحوه‌ی کاربری آن نیز متفاوت می‌شود. هنجار، عُرف، جرائم، حریم و در وضعیتی فراگیرتر، اخلاق نیز دگرگون می‌شود. امروزه، بیش از اخلاق، سخن از اخلاق‌هاست. بدین معنا که ماهیتِ کلیِ اخلاق چندین و چندپاره شده است. تجزیه‌ی اخلاق (نه به معنای فروپاشی، بلکه به معنای جزء‌جزء شدن)، سرّ اخلاقیات معاصر است. از این‌رو، سرشتِ اخلاق، در چنین جهانِ هر دمِ نوشونده‌ای از لحاظ فنی چیست؟ کتاب حاضر سیری در فلسفه‌ی اخلاق، در جهانی با این چنین مختصاتِ فناوریانه‌ای است.

فصل اول

فلسفه اخلاق

هدف کلی

آشنایی دانشجو با فلسفه اخلاق.

هدف‌های یادگیری

دانشجو پس از مطالعه این فصل باید:

۱. معنا و مفهوم اخلاق را براساس دیدگاه‌های مختلف بیان کند.
۲. شناخت کلی از تاریخچه علم اخلاق را به دست آورد.
۳. علم اخلاق؛ اهمیت، قلمرو و کاربرد آن را توضیح دهد.
۴. فلسفه اخلاق را در پیوند با علم اخلاق تعریف و تشریح کند.

مقدمه

اخلاق از جایگاه ویژه‌ای در سرتاسر زندگی هر فرد برخوردار است و مرزهای رفتار او را با خود و اطرافیان مشخص می‌کند. نیاز به اخلاقیات از ابتدای آفرینش در ذات تمامی انسان‌ها وجود داشته است. انسان‌ها برای زندگی کردن در کنار یکدیگر و تداوم حیات اجتماعی خود نیاز مبرم به اخلاق دارند. در دوره‌های مختلف تاریخ بشر مسئله اساسی، نحوه سلوک انسان در جامعه با هم‌نوعان خود بوده است و این بحران با اخلاق و قوانین اخلاقی و فرهنگی قابل حل بوده است. ادیان آسمانی نیز هرکدام در پی رشد و گسترش اخلاقیات بوده‌اند و در مبانی دینی ما به اخلاق به صورت عام به عنوان رسالت پیامبران

اشاره شده است، همان‌طور که پیامبر اکرم (س) فرموده‌اند: «من برای به کامل‌رساندن مکارم اخلاقی برانگیخته شده‌ام» (شیخ عباس قمی، ۱۳۴۴: ۴۱۰). همچنین امیرالمومنین (ع) می‌فرمایند: «اگر امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشته باشیم، باز شایسته است که در پی کسب مکارم اخلاق باشیم، چون آن‌ها راهنمای نجات‌اند» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۹۳). در آیات قرآن کریم بهترین اعمال حسن خلق معرفی شده است و نیز در جای دیگر مهم‌ترین اصول اخلاقی بیان شده است (اسری، آیه ۳۶). در دعای مکارم اخلاق نیز می‌خوانیم «وهب لی معالی الاخلاق» خداوند! به من اخلاق بلندمرتبه عطا کن» (مطهری، ۱۳۶۶: ۲۰). بنابراین ارزش‌های اخلاقی برای پیشرفت هر ملتی ضروری هستند و نیز ارزش‌های اخلاقی برای عملکرد صحیح در زندگی شخصی، حرفه‌ای و جامعه لازم و ضروری‌اند. هرچند زندگی انسان و جوامع بشری پیچیده‌تر می‌شود و از حالت ابتدایی خارج می‌شود مسئله اخلاق هم شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد.

۱-۱ معنا و مفهوم اخلاق

اخلاق واژه‌ای عربی و جمع کلمه‌های خُلُق یا خُلُق است به معنای خوی، طبع، سبجه (معلوف، ۱۳۸۰) و عادت (عمید، ۱۳۶۳) است، اعم از اینکه نیکو و پسندیده باشد یا زشت و ناپسند. لغت‌شناسان آن را با واژه خُلُق هم ریشه می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۴۰)، که به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق). خُلُق به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. به گرایش و ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان وجود دارد، اخلاق گفته می‌شود و به کردارها و رفتارهایی که از این خلقیات ناشی می‌شود نیز اخلاق یا رفتار اخلاقی می‌گویند (نراقی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ۲۶).

در زبان انگلیسی نیز واژه‌های Ethics (مشتق از واژه یونانی Ethika یا Ethikos به معنای منش و عادت) و Morals (مشتق از کلمه Mores لاتین به معنای عادت) معادل کلمه اخلاق به کار می‌روند (آناس^۱، ۱۹۹۱). گرچه واژه‌های مزبور به ظاهر مفهومی یکسان دارند، اما درواقع در معنای دقیق این دو کلمه تفاوت‌هایی وجود دارد. نظام‌هایی از ارزش‌ها و عادات که در زندگی گروه‌های خاصی از انسان‌ها تحقق یافته‌اند، به عنوان اخلاق

(Ethics) این گروه‌ها توصیف می‌شوند. Ethics بر نظام اجتماعی که اخلاقیات موردنظر در آن به کار می‌رود، تأکید دارد و بر استانداردها یا قواعد رفتاری دلالت می‌کند که از گروهی که فرد به آن تعلق دارد، انتظار می‌رود. مانند اخلاق اجتماعی، اخلاق ملی، اخلاق شرکت، اخلاق حرفه‌ای یا اخلاق خانواده؛ اما Morals شخصیت فردی را تعیین می‌کند^۱.

اخلاق هرگاه به صورت جمع به کار می‌رود به معنای مجموعه‌ای از خصلت‌ها و ویژگی‌های نفسانی یک فرد (یا گروه یا جامعه یا دین) است که منشأ و مصدر نوع خاصی از سلوک و زندگی است؛ اما اگر به صورت مفرد به کار رود، به معنای خصلت یا صفت نفسانی است که منشأ و مصدر نوع خاصی از عمل و رفتار است (مهرآیین، ۱۳۷۷).

سقراط معتقد بود که امور اخلاقی واقعیت‌های ثابتی دارند که اعمال و رفتار انسان با آن حقایق مقایسه می‌شود، انسان هرگاه که خیر را تشخیص بدهد، به آن عمل می‌کند؛ زیرا طبع انسان شریر نیست و اگر به طور ناخودآگاه عمل خیر از او سر بزند، خیر و فضیلت شمرده نمی‌شود؛ زیرا فضیلت اعمال اخلاقی، وقتی است که با علم و تشخیص به جا آورده شوند. بنابراین منشأ حکم حقیقی، فقط علم است (اسکندری، ۱۳۸۰، ۳۴).

درباره معنای اخلاق، تعریف آن و منشأ پیدایش صفات اخلاقی اتفاق نظر وجود ندارد. در طی روزگاران پیشین از اصطلاح «اخلاق» تعاریف بی‌شمار، نه چندان روشن و مورد پذیرش همگان، به عمل آمده است؛ اما اختلاف ژرفی میان این تعاریف دیده نمی‌شود. مثلاً برخی اخلاق را فقط فضایل اخلاقی اطلاق می‌کنند و آن را در مقابل ضد اخلاق به کار می‌برند (فرانکنا^۲، ترجمه هادی صادقی، ۱۳۷۶). مثلاً وقتی گفته می‌شود «فلان کار اخلاقی است» یا «دروغ‌گویی کاری غیر اخلاقی است» و یا زمانی که گفته می‌شود «عصاره اخلاق عشق و محبت است» منظور از اخلاق، تنها اخلاق فضیلت است. این معنا از اخلاق، همچنان که در بالا گفته شد، در انگلیسی هم رایج است.

برخی نیز خلق و اخلاق را ملکه و حالت پایدار نفسانی دانسته‌اند که مقتضی صدور کارها از انسان بدون نیاز به فکر و تأمل است و باعث می‌شود کارهای خوب یا بد به آسانی از او صادر شود. اگر این صفت پایدار نفسی به گونه‌ای باشد که تنها افعالی از او صادر شود که از منظر عقل و شرع نیک و پسندیده باشد، «اخلاق نیک» نامیده می‌شود و اگر افعالی از او صادر شود که از منظر شرع و عقل زشت و ناروا باشد، به آن «اخلاق زشت»

1. [Http://www.wisegeeek.com](http://www.wisegeeek.com)

2. Frankena

گفته می‌شود. به‌طورمثال شیخ ابوعلی مسکویه در تعریف اخلاق می‌گوید: «اخلاق حالتی نفسانی است که بدون نیاز به تفکر و تأمل، آدمی را به‌سمت انجام کار حرکت می‌دهد (مسکویه، ۱۴۱۳ق).

همچنین علامه مجلسی در بحارالانوار نیز در تعریف اخلاق می‌گوید: «اخلاق ملکه‌ای نفسانی است که کار به‌آسانی از آن صادر می‌شود. برخی از این ملکات فطری و ذاتی‌اند، و پاره‌ای از آن‌ها نیز با تفکر و تلاش و تمرین و عادت دادن نفس به آن‌ها، به‌دست می‌آیند...؛ چنان‌که بخیل در ابتدا با سختی و جان‌کندن چیزی را می‌بخشد، اما در اثر تکرار، بخشش به‌صورت خوی و عادت او در می‌آید (مصباح یزدی، ۱۳۸۱).

اگرچه اندیشمندان مسلمان خُلق را امری انگیزاننده به‌سوی فعلی بدون فکر و تأمل می‌دانند، اما مقصودشان از خُلق ملکاتی است که ابتدا از مبدأ فکر سرچشمه گرفته اما به‌خاطر عادت و تمرین در نفس انسانی دائمی شده است، همان‌گونه که خواجه‌نصیر نیز در تعریف خود، از اخلاق به ملکه تعبیر کرده است.

گاهی نیز مراد از اخلاق در نزد اندیشمندان، هرگونه صفت و حالت نفسانی است که سبب صدور کارهای خوب یا بد می‌شود، چه آن صفت به‌صورت ملکه و پایدار و چه به‌صورت غیرپایدار باشد، و چه از روی تأمل و اندیشه از انسان صادر شود و چه بدون تأمل و اندیشه. لذا اگر بخیلی که سرشت او بخل‌ورزی و عدم‌بخشش است، احیاناً بخششی کند، این کار او خلق بخشش به حساب آمده و از نظر اخلاقی دارای ارزش مثبت است (زکی، ۱۳۸۸).

واژه اخلاق، نزد برخی از اندیشمندان، به‌خصوص فیلسوفان غربی، کاربرد دیگری نیز دارد و آن زمانی است که از «نهاد اخلاقی زندگی» سخن به میان می‌آید. اخلاق در این اصطلاح، در عرض مسائلی چون هنر، علم، حقوق، دین و... قرار دارد، درعین حال متفاوت با آن‌ها به‌کار برده می‌شود. بنابراین اصطلاح، اخلاق نیز مانند زبان، دین و کشور، پیش از افراد بوده و «فرد در آن داخل شده و کمابیش در آن سهیم می‌شود» و پس از افراد نیز خواهد بود. به‌عبارت دیگر وجود آن به شخص وابسته نیست، بلکه «ابزاری در دست جامعه، به‌عنوان یک کل، است برای ارشاد و راهنمایی افراد و گروه‌های کوچک‌تر» (فرانکنا، به نقل از مصباح یزدی، ۱۳۸۱).

برخی نیز اخلاق را به معنای نظام رفتاری^۱ گروهی از انسان‌ها به کار برده‌اند، مثل «اخلاق نازی»؛ یعنی نظام رفتاری موردپسند نازی‌ها، و «اخلاق مسیحی»؛ یعنی نظام رفتاری موردپسند مسیحیان. معانی دیگری نیز برای اخلاق ذکر شده است که بسیار نزدیک به همین اصطلاح است. هرچند قیود و شرایط خاصی بر آن افزوده‌اند. مثلاً این تعریف که اخلاق عبارت است از یک سیستم همگانی غیررسمی که با همه انسان‌های عاقل سروکار داشته، رفتار آنان را در ارتباط با دیگران کنترل و مهار می‌کند و مشتمل بر قواعد، آرمان‌ها و فضایل اخلاقی است و هدف آن نیز کاستن از رذایل اخلاقی است؛^۲ یا این تعبیر که «اخلاق دستگاهی از عقاید جاری در جامعه درباره منش و رفتار افراد آن است، درباره اینکه افراد آن جامعه چه رفتار و منشی باید داشته باشند» (اتکینسون^۳، ترجمه سهراب علوم‌نیا، ۱۳۶۹: ۱۶). گاهی اخلاق را از طریق آثار آن نیز تعریف کرده‌اند: گاه فعلی که از انسان سر می‌زند، شکل مستمری ندارد ولی هنگامی که کاری به‌طور مستمر از کسی سر می‌زند، دلیل بر این است که ریشه درونی در اعماق جان و روح شخص دارد، آن ریشه را خُلق و اخلاق می‌نامند. این خلق خاص که برای فرد درونی‌شده، بدون هیچ تفکری از او سر می‌زند. به‌عنوان مثال، فردی که دارای خُلق شجاعت است، در مواقع خطر بدون هیچ تفکر و دقتی براین‌حالت و فعل درونی خویش، ترسی به دل راه نمی‌دهد.

محقق طوسی نیز در کتاب «اخلاق ناصری»، اخلاق را به همین معنا آورده است: «اخلاق جمع خُلق است، و خُلق ملکه‌ای است نفس را، که مقتضی سهولت صدور فعلی از او بی‌احتیاج به تفکر و رؤیتی است» (طوسی، ۱۳۷۳: ۶۰).

مصباح یزدی (۱۳۷۶: ۲۵)، این تعریف را برای اخلاق درست می‌شمارد:

«موضوع علم اخلاق، اعم از ملکات نفسانی که فلاسفه اخلاق تا کنون بر آن تأکید داشته‌اند، بوده و شامل همه کارهای اختیاری انسان می‌شود که ارزشی است؛ یعنی متصف به خوب و بد بوده و میل تواند برای نفس، کمالی را فراهم آورد و یا موجب رذیلت و نقصی در نفس شود».

1. Code of conduct

2. Bernard Gert, *Morality: its Nature and Justification*, p.8

3. Atkinson

جوادی آملی (۷۷:۱۳۸۵)، نیز اخلاق را این گونه تعریف می کند: «اخلاق عبارت از ملکات نفسانی و هیئات روحی که باعث می شود کارها - زشت یا زیبا - به آسانی از از نفس متخلق به اخلاص خاص، نشأت بگیرد».

۱-۲ تاریخچه اخلاق

آموزه های اخلاقی ریشه در ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد دارند. به طوری که در تاریخ آمده است، ده فرمان مشهور موسی، میراث یک قبیله سامی است که به ازای هر ده انگشت دست، صادر شده تا به آسانی امکان یادآوری آن ها وجود داشته باشد. این گونه فرمان های پنج گانه یا ده گانه در میان تمدن های قبل از دوران کتابت و آموزش انسان رایج بوده است. در زمان داریوش پادشاه هخامنشی (۴۸۶ تا ۵۲۱ پیش از میلاد) کودکان از پوشش خدمات و حمایت اجتماعی بهره مند می شدند. دستمزد کارگران براساس مهارت و سن طبقه بندی می شدند. مادران از مرخصی و حقوق زایمان و نیز حق اولاد استفاده می کردند. حقوق زن و مرد برابر بود و زنان می توانستند کار نیمه وقت انتخاب کنند تا از عهده وظایفی که در خانه داشتند برآیند. هردوت^۱، تاریخ نویس یونانی می نویسد: داریوش بزرگ پادشاه پارسی، یونانیان را به حضور طلبیدند و از آنان پرسیدند در برابر دریافت چه مبلغی حاضرند اجساد پدران خود را بخورند، آن ها به هیچ قیمتی حاضر به انجام چنین عملی نشدند. سپس عده ای از مردم هند را که بنا بر سنتی دیرینه به چنین کاری می پرداختند را حاضر کرد و از آن ها سؤال کرد که به چه قیمتی حاضرند به جای خوردن اجساد پدران خود، آن ها را بسوزانند، در جواب هندی ها حاضر به انجام چنین عملی نشدند. سپس هردوت براساس این روایات و خلق و خوی بدیهی می نویسد که هر ملتی آداب و سنن خود را بهترین رسوم می داند، هرچند آن آداب و رسوم به نظر دیگران اخلاق و عقلانی نباشد (بریتانیکا، ۱۹۹۳).

براساس تاریخ شناخته شده و مدون، زرتشت نخستین کسی است که در برترین پایه به ارزش های والای اخلاقی اندیشیده و با زبانی آسمانی درباره آن ها سخن گفته است. سخنان و اندیشه های زرتشت بسیار بلند و ارجمند است تا آنجا که از دوران باستان دوستداران افلاطونی برای ستایش او، وی را با زرتشت می سنجیدند و فیلسوف نام آور آلمانی «نیچه» از زرتشت در نقش «آفریننده اخلاق» سخن می گوید (نقیب زاده، ۱۳۷۵).

همچنین در منشور کورش بزرگ، آموزه‌هایی همچون دستورات مربوط به حفظ و صیانت از آزادی و کرامت انسان و اخلاق و آیین حکمرانی، آزادی مردم و احترام راستین به حقوق انسان‌ها و ادیان و قومیت‌های گوناگون ملاحظه می‌کنیم که هنوز در هیچ‌کدام از آموزه‌های حقوق بشر تضمینی به این زیبایی و گفتاری این‌گونه دلنشین عرضه نکرده‌اند (مرادی غیاث‌آبادی، ۱۳۸۳).

پیکره اصول اخلاق عملی به‌عنوان بخشی از ادبیات فارسی به‌خوبی نمایان است، چنانچه بزرگانی همچون فردوسی، مولانا، حافظ، نظامی گنجوی و... به موضوعاتی از طیف اخلاق تا علم اخلاق، تشویق فرد برای یافتن معنای زندگی نه آزار انسان‌ها اختصاص داده بودند (فوجر^۱، ۱۹۹۹).

برخی از اندیشمندان جدید نیز بر ارتباط تفکر اخلاقی ایرانی در دوره ساسانیان با قرون وسطی تأکید کرده‌اند. همچنین ارتباط با قواعد کلی و نیز قالبی که این قواعد در آن‌ها بیان شده در توجه به پندارنیک، گفتارنیک و کردارنیک از گذشته قبل از اسلام به ارث رسیده است.

۱-۳ علم اخلاق

پیش از بیان علم اخلاق شایسته است ابتدا نگاهی گذرا به مفردات این اصطلاح یعنی واژه «علم» بیافکنیم تا بادقت و بصیرت بیشتری به بحث اصلی پرداخته شود. واژه علم، در لغت به معنای دانستن، یقین کردن، معرفت و دانش آمده است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۲). در انگلیسی برابر «علم» دو واژه قرار گرفته است؛ به معنای مطلق دانش، معرفت و آگاهی و دیگری Science که ابتدا در همان معنای دانش و معرفت به کار می‌رفت، اما از اواخر قرن هفدهم که گروهی (همچون جان لاک^۲، جرج بارکلی^۳ و دیوید هیوم^۴) سرچشمه همه شناخت‌ها را حس و تجربه دانستند و به فلاسفه «آمپریست» شهرت یافتند، کاربرد این واژه به علوم تجربی منحصر گشت. هرچند می‌توان این گرایش را در قرون وسطی و در سخنان ویلیام آکامی، فیلسوف انگلیسی ردیابی کرد. در قرن بیستم نیز پوزیتیویست‌ها تنها علوم تجربی را شایسته نام علم دانستند و Science را تنها بر علوم تجربی اطلاق کردند.

1. Foucheour
2. John Locke
3. George Barkley
4. David Hume